



corbis

تأثیر کرونا بر مطالبات سیاسی - اجتماعی مردم

رمز گشایی از دو تقاضای متناقض

دکتر ابراهیم حاجیان
همان پژوهشی مرکز بررسی‌های
استراتژیک ریاست جمهوری

ده‌ها هه ثابت بماند، قطعاً اولویت‌بندی آنها تحت تأثیر متغیرهای محیطی، فرهنگ سیاسی، ذائقه عمومی، سبک زندگی، تغییر نسل‌ها و بخصوص کیفیت رابطه دولت- ملت، متحول خواهد شد. بنابراین مطالبات عمومی و افکار عمومی برخاسته از آن، ویژگی نو شدن، جابه‌جایی و تغییر دارند و فهم و درک واقع‌بینانه آن از لحاظ تکنیکی و حرفه‌ای دشوار است و از نظر سیاسی و مدیریتی نیازمند روحیات عمومی، به مثابه ورودی یا عنصر تعیین‌کننده، برای تشخیص سمت و سوی سیاست‌ها و تدابیر، تعیین اولویت‌ها و سازماندهی منابع عمومی محدود، الزامی و پایه‌ای است. به‌عبارتی، هر نوع سیاستگذاری و تخصیص منابع عمومی از سوی دولت، بدون عطف توجه به تقاضای عمومی، باعث شکست سیاست‌ها و بی‌تأثیر بودن نظام تدابیر خواهد شد، حتی اگر این تدابیر مصلحت‌جویانه و حکیمانه اتخاذ و انتخاب شده باشند و در پی تأمین مصلحت درازمدت جامعه باشند.

این گزاره صرفاً برای نظام‌های مردمسالار نیست بلکه در هر نوع از ساختارها و ایدئولوژی‌های سیاسی مهم و حائز اهمیت است، بخصوص در بستر «حکمرانی خوب» که سیاستگذارهای الزاماً و باید ماهیت مردمی، مشارکتی و تعاملی داشته باشند، توجه به انتظارات و گرایش‌های مردم ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بی‌توجهی به مطالبات عمومی، علاوه بر شکست و حداقل توقف در اجرای سیاست‌ها، باعث ایجاد یا تشدید حس محرومیت، سپس ناراضیاتی عمومی و شکل‌گیری ۲ وضعیت خطرناک «انفعال یا بی‌تفاوتی» یا «اعتراض و خشونت جمعی» خواهند شد که در دو حالت، کشور را به بن‌بست، دولت‌ها را به بی‌تحریکی و سیاست‌ها را به محاق می‌کشاند.

به‌عبارتی، قرار گرفتن یک جامعه در هر نقطه‌ای از این طیف (از نارضایتی تا خشونت) فرآیند توسعه ملی، توسعه سیاسی، مشارکت اجتماعی، انباشت سرمایه اجتماعی دولت و مردم و مجموعاً حکمرانی مطلوب را مختل و با بحران یا مشکل مواجه خواهد کرد. امعان‌نظر به این مهم توسط نظام‌های مختلف سیاسی نظام‌های سیاسی مردمسالار باعث شکل‌گیری یک مجموعه نهادهای حرفه‌ای برای سنجش مستمر و رصد دقیق افکار عمومی شده است که تحت عنوان «صنعت افکارسنجی» از آن یاد می‌شود. مشکل یا مسأله اصلی

در برآورد و شناسایی تقاضاهای سیاسی (مجموعه مطالبات دسته جمعی یا بخش‌های مختلف یک جامعه) تحول و تغییرات آن است. مطالبات عمومی در هر اجتماع سیاسی، ماهیتی سیال و متغیر دارد و براساس شرایط، اقتضانات، فشارهای بیرونی و درونی و عملکرد نظام تدبیر، جابه‌جایی می‌شود و حداقل آن سیاهه مطالبات و اولویت آنها تغییر می‌کند. به عبارتی، حتی اگر مطالبات عمومی در طول

سوی دولت(ها) و نیز آثار اجتماعی و روانی کرونا مانند پلانکلیفی و اینکه هیچ کس نمی‌داند در روزهای آینده دچار چه سرنوشتی می‌شود و چقدر امکان آلوده شدن به ویروس وجود دارد، بسیار آزاددهنده شده است. کاهش ارتباطات اجتماعی، افسردگی و اضطراب و... نیز مزید بر علت شده است. از سویی دولت بخصوص در ایران به‌دلیل شرایط تحریمی منابع کافی و لازم را برای پاسخگویی به حجم انبوه مطالبات دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی (بخصوص شهرداری‌ها و نظام تأمین اجتماعی)، بنگاه‌ها و نهائناً شهروندان و اقشار ضعیف ندارد؛ هرچند تدابیر مؤثری برای ارائه خدمات درمانی به بیماران، حمایت از مشاغل و کسب‌وکارها (از طریق سرعت بخشیدن به بازگشایی‌ها)، استمهال و به تعویق انداختن وام‌ها و مالیات‌ها و پرداخت برخی غرامت‌ها، توزیع وسایل بهداشتی و مدیریت فضای عمومی جامعه، از سوی دولت انجام شده است. در هر حال، اگر قصد شناسایی مطالبات سیاسی و عمومی و تشخیص فشارهای سیاسی وارده از سوی جامعه بر دولت را داشته باشیم مهم‌ترین آنها را به قرار زیر می‌توان احصا نمود:

موج دوم کرونا،

تقاضاهای جدیدی را در حوزه سلامت و عدالت بهداشتی به وجود آورده است و مردم انتظار دارند نظام درمانی، دولت و کلیت حکومت با حد اکثر توان به جلوگیری از گسترش ویروس و درمان مبتلایان و کاهش مرگ‌ومیرها اقدام نمایند.

در عین حال، مردم انتظار دارند کسب و کارها و اشتغال و رونق نیز به شرایط قبل از کرونا بازگردد. بنابراین دولت در معرض دو تقاضای متناقض قرار می‌گیرد. رعایت معیارهای دوگانه «سلامت و اقتصاد» یا «معیشت و بهداشت»

دولت را در موقعیت پیچیده‌ای قرار می‌دهد که انتخاب نقطه بهینه را باید به صورت کاملاً اقتضایی و شناور انجام دهد. نفس این عمل یا سیاست اقتضایی نیز مطالبات سیاسی ویژه‌ای را برای مردم به وجود آورده است



انتظار متمرکز نظام حکمرانی بر حوزه کرونا به‌طور طبیعی در شرایط پساکرونا (اگر بتوان چنین تعبیری را مطرح کرد) توقع افکار عمومی از سیاستمداران و مدیران ارشد آن است که تمامی اولویت‌ها را به نفع مدیریت بهتر اوضاع داخلی حذف یا نادیده بگیرند. این موضوع بخصوص در شرایط اوج‌گیری بحران و درگیری شدن یکی یکی استان‌ها و شهرستان‌ها و فرم شدن شرایط، تشدید شده است. مردم خواهان آن هستند که مسئولان از تمام ظرفیت‌ها و توانایی‌های خود در حوزه بین‌المللی و داخلی برای رفع مشکلات جاری ایشان بهره بگیرند. بنابراین حل و فصل سریع‌تر مسائل و درگیری‌های بین‌المللی و منطقه‌ای و تمرکز بر کرونا و پیامدهای آنها ضروری است. درک افکار عمومی آن است که کشور هم‌اکنون در حال دست و پنجه نرم کردن هم‌زمان با «تحریم‌های ظالمانه» از یک سو و «بحران کرونا» از سوی دیگر است و این شرایط فوق‌طایقت و ظرفیت تحمل شهروندان است. بنابراین افکار عمومی انتظار دارد که نظام سیاسی تدابیر جدی‌تر را برای کاهش سطح تنش‌های سیاسی به کار بندد تا از قبیل آن بتواند از منابع مالی خارجی و بین‌المللی و کمک‌های فنی لازم برای حل مشکلات بهداشتی و اقتصادی مردم بهره‌بر. به‌عبارتی، در شرایط کنونی، توجه ادامه سیاست‌های خارجی کنونی برای افکار عمومی دشوار می‌نمایاند. به سخن دیگر، اولویت نخست مردم در اوضاع کنونی مشکلات داخلی و مشخصاً رفع دردهای کرونایی است و هر تدبیری بخصوص در مسائل منطقه‌ای باید به این سمت هدایت شود، بویژه سیاست خارجی و تعاملات بین‌المللی می‌بایست بر ارتقای توانایی‌های مردم برای مقابله با کرونا متمرکز شود.

انتظار مواجهه صادقانه نظام حکمرانی با جامعه

تحت تأثیر سوءنظم‌های تاریخی و برخی القانات رسانه‌های بیرونی، در شرایط کنونی، ذهنیت عمومی جامعه آن است که مسئولان، از ارائه آمارها و داده‌های کامل و صحیح درباره شیوع، ابتلا، مرگ‌ومیر و خسارات کرونا امتناع می‌ورزند. هر چند می‌دانیم که دولت تلاش داشته نظام آماری خود در حوزه سلامت را اصلاح و بهبود بخشد اما در هر حال، افکار عمومی انتظار یا توقع مواجهه صریح‌تر از از مدیران سیاسی و مدیران حوزه سلامت داشته و دارد.

مطالبات در حوزه توسعه علمی و پیشرفت‌های تکنولوژیک

با توجه به مقایسه مستمری که افکار عمومی ایرانیان با سایر کشورها انجام می‌دهند، انتظارات عمومی به سمت طرح تقاضای دسته جمعی برای مواجهه علمی- تکنولوژیکی هرچه بیشتر جامعه پزشکی و مهندسی و فنی کشور سوق پیدا کرده و خواهد کرد. توقعات شهروندان آن است که نظام علمی و دانشگاهی کشور با تحرک و جدیت بیشتری به سمت اهداف جدید و حل مشکلات عینی و پیش‌رو سمت و سویا کنند. بخصوص توسعه دانش پزشکی و فنون تشخیص و ردیابی مبتلایان ضروری است. این مطالبات نیز نهایتاً به سمت نظام سیاسی هدایت شده و خواهند شد و قصورها و تقصیرها را به پای مدیران ارشد سیاسی می‌نویسند.

باز شدن و تعمیق مرزهای فضای مجازی با توجه به شرایط قرنطینه، فاصله‌گذاری فیزیکی و دورکاری، توقعات احاد مردم آن است که مانند سایر کشورها از امکانات فضای مجازی به نحو مؤثرتری برای تجارت، کسب‌وکار، آموزش، تعاملات اجتماعی و... بهره‌جویی و در واقع، با افزایش پهنای باند اینترنت، فعالیت‌های روزمره تسهیل و تسریع شود و انسدادها و محدودیت‌ها جاری کاهش یا حذف شود. بنابراین به‌طور طبیعی به سیاستمداران و جریان‌های سیاسی متمایل به این سیاست، گرایش بیشتری پیدا می‌شود و در غیر اینصورت این مطالبات نیز ماهیت سیاسی می‌یابد.

انتظار مواجهه صحیح‌تر نظام با بحران‌های سیاسی و اصلاح خط‌مشی‌های اساسی

با توجه به وقایع سال ۱۳۹۸ و بخصوص اعتراضات بنزینی و سقوط هوپایمایی اوکراینی افکار عمومی در ایران تحریک‌پذیرتر شده است و زمینه‌های بروز اعتراضات جمعی تشدید شده است. بنابراین افکار عمومی انتظار برخورد صحیح مسئولان نظام با مشکلات مردم و مدیریت بهتر شرایط دارد.

انتظارات برای کاهش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و کاهش فساد

شیوع کرونا و مشکلات ناشی از آن، افکار عمومی را مجدداً به سمت موضوع کاهش نابرابری‌ها و رفع تبعیض متوجه نموده است. لذا جریان‌ها و چهره‌هایی که مدعیات عدالت‌خواهانه را مطرح کنند (بخصوص در انتخابات ریاست‌جمهوری آتی)، با اقبال عمومی بیشتری مواجه خواهند شد.

مطالبات عصر مشروطه آیا هنوز بعد از ۱۱۴ سال برای ایرانیان موضوعیت دارد؟

پرونده‌ای که بسته نشد

دکتر علی‌محمد حاضری
استاد دانشگاه تربیت مدرس

حال که ۱۱۴ سال از انقلاب مشروطه می‌گذرد ضرورت دارد که به چند پرسش بپردازیم؛ اینکه چقدر هویت امروز ما استمرار و در ادامه هویت و ملیتی است که در دوران مشروطه طلب می‌شد؟ و چقدر مطالبات عصر مشروطه همچنان برای جامعه امروز ایران و برای ایرانیان موضوعیت دارد؟ همواره این گزاره محل اختلاف بین صاحب‌نظران بوده است که بحث «ملیت ایران» آیا منحصر از زمان مشروطیت مطرح شد یا پیش از این نیز چنین موضوعی محل بحث نخبگان جامعه ما بوده است؟ از جهاتی می‌توان هویت و ملیت ایرانی را به پیش از مشروطیت ارجاع داد اما از جهت برخی شاخص‌های مدرن و امروزی همچون دولت‌سازی که در دوره رضاخان صورت گرفت، می‌توان عقبه ملیت و هویت ایرانی را از دوران مشروطه به بعد ردگیری کرد.

برای پرداخت دقیق‌تر به این بحث، می‌توان مطالبات در عصر مشروطیت را به دو دسته تقسیم کرد؛ یک دسته مطالباتی است که تمامی مفاد آن مورد وفاق همه جریان‌های عصر مشروطه اعم از روشنفکران، روحانیت و جریان‌های مختلف مذهبی بود و اتفاقاً مشروطیت هم حول همان مطالبات شکل گرفت. از آن جمله می‌توان به نفی نقش استبداد رأی سلطان و سلطنت مطلقه و تلاش برای مقید کردن آن اشاره کرد.

دوم، حاکمیت قانون که باز در واقع به نحوی روی دیگر سکه همان مقید کردن سلطنت مطلقه است تا طی آن به نوعی حق حاکمیت ملی و مردم به رسمیت شناخته شود.

سوم، دستیابی به عناصری از پیشرفت و ترقی است. واقعیت این است که از دوران مشروطه است که بتدریج ایرانی‌ها در مقایسه با بخش‌هایی از جهان پیشرفته و مدرن احساس عقب‌ماندگی می‌کنند و از این زمان به بعد است که بحث عقب‌ماندگی و دستیابی به دانش‌های نوین برجسته می‌شود. اینها مطالبات مشترک اقشار مختلف در عصر مشروطه بود که تا به امروز هم اهمیت آنها باقی است و همچنان هم جزو مطالبات جامعه ایران است هرچند ممکن است برداشتها و تفسیرهای مختلفی از آن وجود داشته باشد.

اما در زمان مشروطه، مایک سری مطالباتی هم داشتیم که به نوعی مورد اجماع گروه‌ها و اقشار مختلف نبود و باعث شکاف و تعارض‌هایی در جامعه ایران بخصوص بعد از مشروطیت شد. از آن جمله می‌توان به مطالبات بخشی از جامعه روشنفکری ایران اشاره کرد که بدون توجه به زیربناهای فرهنگی و باورهای دینی جامعه ایران، تحت تأثیر تعارضات بین علم و دین در دنیای غرب شکل گرفته بود. این دست از مطالبات، دین را متعارض با هر نوع مظهر ترقی و تجدد می‌پنداشت و بر نوعی سکولاریسم تأکید می‌گذاشت. این گرایش قطعاً گرایشی نبود که قاطبه مشروطه‌طلبان با آن همراهی داشته باشند. بنابراین طیفی همراهی کردند و طیفی به مقابله با آن برخاستند. اتفاقاً در تقابل با این مطالبات افراطی شاهد بودیم که تا به امروز هم رأس آنها شخصی مثل شیخ فضل الله نوری بود در واقع به طرح موضوعاتی پرداختند که شکاف جدیدی را در جامعه ایجاد کرد و به تقابل با آن مطالبات دین‌گریزانه یا دین‌سنجیزانه برخاست. طبیعی است که این نوع دین‌خواهی و دین‌طلبی هم عملاً به ایجاد



استبداد صغیر دامن زد و از این زمان است که یک شکاف ملی و تاریخی در جامعه ایران به وجود آمد.

بر این باورم که تا به امروز ما همچنان شاهد این دو نوع نگاه هستیم و هنوز هم مطالباتی به‌صورت عکس‌العملی و افراطی در مقابل همه مطرح می‌شوند و از طرف دیگر مطالباتی همچنان محل اجماع اقشار مختلف مردم و گروه‌های سیاسی است که در بدو مشروطیت هم محل اجماع بود.

امروز هم به نظر می‌رسد که اصل قانون‌گرایی، اصل ابتنا به حاکمیت ملی، اصل ساختن جامعه مدرن بر پایه عقلانیت و استفاده از دانش‌ها و تجارب بشری همچنان برای ایرانیان موضوعیت دارد با فرض اینکه با دینداری خردمندانه

مطالبات مشروطه است. اما بازتولید مطالبات مبتنی بر شکاف‌های نسنجیده و ناصواب آن فصل مشروطیت، امروز هم در جامعه تاحدی موضوعیت دارد؛ از یک سو پاره‌ای از دینداران و دین‌ورزان، مطالبه‌گری دینی را درست در مقابل خواست مردم و حق حاکمیت مردم تفسیر می‌کنند. این گرایش و به نحو عکس‌العملی گرایش‌های ناراضی از این نوع دین‌باوری را شکل می‌دهد و ما مجدد شاهد آن هستیم که گروهی از جریان‌ها به استناد این برداشت‌ها از دینداری و دینمداری، به طرح مطالبات دین‌گریزانه یا دین‌سنجیزانه می‌پردازند. در این فضا، یک شکاف پرنشدنی ایجاد می‌شود که می‌تواند وحدت و امنیت ملی را به خطر بیندازد.

بنابراین، مطالبات عصر مشروطه همان‌طور که اشاره شد تا به امروز ادامه دارد و همچنان جزو مطالبات ملی جامعه ایران تلقی می‌شود و همان افراط‌گرایی‌ها و تفریط‌گرایی‌هایی که در عصر مشروطیت موجب شکاف در جریان کلی مشروطه شد و در واقع ناکامی‌های مشروطه را رقم زد در شرایط امروز هم در بعضی حوزه‌ها تا حدودی بازتولید می‌شود و متأسفانه می‌تواند همان نوع خطرات و آسیب‌ها را مجدد در پی داشته باشد.

به این اعتبار، باید گفت همچنان پرونده مشروطه باز است و این امر، نشان دهنده دو نکته مهم است؛ نخست آنکه، ما در دوره مشروطه، به خودشناسی از مسائل جامعه ایران رسیدیم و این مسائل از کلان‌ترین مسائل جامعه ایرانی است که هنوز هم موضوعیت دارد و دوم اینکه، بسیاری از آن مطالبات هنوز هم محقق نشده و مواضع جدی بر سر راه آن است.

این دو نکته گویای آن است که بازخوانی و بازاندیشی درباره مشروطه، بعد از ۱۱۴ سال، هنوز هم باید در دستور کار نخبگان و اندیشمندان ما قرار گیرد تا با شناخت هر چه بیشتر این دوره از تاریخ کشورمان بتوانیم پاسخ‌های بهتری برای مسائل امروزمان بیابیم.